

اسراف: عادت حرام ایرانیان



گفت وگویی اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با آقای رسول مژده شفق، معاون کالاهای مصرفی و خدماتی عمومی سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان

اقتصاد ایران: آقای مژده شفق! به عنوان اولین سؤال، لطفاً تحلیل خود را از عوامل مهم دخیل در اصلاح ساختار مصرفی کشور بفرمایید؟

فکر می‌کنم اگر از ۳ دیدگاه به این موضوع نگاه کنیم، دولت به عنوان اصلی‌ترین متولی اجرای این امر در کشور است. همچنین مردم و رسانه‌ها نیز نقش بالایی را در اجرای این تصمیم در کشور دارند که در صورت تعامل این سه بخش و با به وجود آوردن باورها و یک زبان واحد و تعاریف مشخص، خواهیم توانست به هدف الگوی بهینه مصرف دست یابیم و از آن طریق نیز می‌توان به اهداف برنامه‌های بلندمدت ۵ ساله و ۲۰ ساله چشم‌انداز در جهت بهتر زیستن مردم دست یافت.

به اعتقاد من، اصلاح مصرف در همه موارد آن از جمله اصلاح مصارف کالا، خدمات و حتی الگوها - مثل آموزش بستن کمر بند ایمنی در رانندگی در جهت حفظ سلامت خود، جامعه و نظم عمومی - ضروری بوده و به مرور با آموزش‌های مختلف، این فرهنگ در میان مردم پذیرفته شده و در نهایت حتی می‌توان به کمک قانون و با اعمال تعرفه‌های مالیاتی تنبیهی، اسباب رعایت الزامات آن را فراهم آورد. اما دولت نیز باید در این راستا قدم اول را بردارد. با پدید آمدن تکنولوژی و تبلیغ و آموزش به کلیه مردم، دولت باید اول از خودش شروع کند و سپس در جهت منافع ملی و نظام، برنامه‌های خود را به صورت شفاف اعلام نماید. به عبارتی دیگر، لازم است پیش از هر اقدامی در مورد برنامه‌های خود به مردم توضیح دهد و آنها را آگاه سازد. در این صورت، چون مردم از محدودیت منابع موجود برای تولید آگاه خواهند شد، دیگر جایی برای هدر دادن و اسراف آن در جامعه وجود نخواهد داشت.

در حال حاضر که برنامه پنجم ارایه شده است، بهترین فرصت است که با اصلاحات، قانونمندی را به وجود آوریم. کشور ما تا چند سال پیش از بزرگترین واردکنندگان گندم بود. با متوسط قیمت گندم - ۲۵۰ دلار در هر تن - که در حال حاضر با آن روبه‌رو هستیم، رقمی در حدود ۷ تا ۸ میلیون تن گندم وارد کشور می‌شد که برای پرداخت قیمت این میزان واردات، در حدود یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلار ارز از کشور خارج می‌شد. در مورد روغن نباتی نیز به صورت عمده، رقمی معادل ۸۰ درصد نیاز کشور از طریق روغن خام یارانه‌ای وارد کشور می‌شود که تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد آن، از میان دانه‌های تولیدی در کشور به دست می‌آید. متوسط قیمت روغن خام در دنیا برای هر تن، رقمی در حدود ۷۰۰ دلار است که

با توجه به میزان واردات کشور که در حدود یک میلیون تن می‌باشد، این موضوع ۷۰۰ میلیون دلار خروج ارز را به همراه دارد. بر این اساس، مصرف سرانه روغن نباتی در کشور در حدود ۲۰ کیلوگرم است. این در حالی است که سطح استاندارد دنیا در مصرف این محصول زیر ۱۶ و یا ۱۷ کیلو می‌باشد و حتی در اتحادیه اروپا این رقم ۱۳ کیلو است که نشان می‌دهد باید در الگوهای غذایی خانوار، تجدید نظر صورت گیرد.

بر این اساس، فکر می‌کنم اگر به مردم آگاهی دهیم، آنها خود به خود برای اصلاح الگوی مصرفی خود در تمامی جهات از جمله آب، برق، انرژی و سایر مصارف حرکت خواهند کرد. برای این منظور نیز راه‌حل‌هایی وجود دارد. مثال‌های زیادی در این زمینه هست. به عنوان مثال، مواد غذایی می‌باید متناسب با نیاز فرد بسته‌بندی شود و یا امکان خراب شدن بسته‌بندی‌ها و هدرروی محصول به حداقل ممکن کاهش یابد. البته باید از سمت تقاضا هم تغییراتی متناسب صورت پذیرد. یعنی مصرف‌کننده هم متناسب با تقاضای واقعی خود خرید کند. فکر می‌کنم چون قیمت برخی محصولات واقعی نیست، چنین مشکلی از طرف مصرف‌کننده نیز وجود دارد.

اقتصاد ایران: طرح‌های مختلف دولت از جمله طرح تحول اقتصادی، چه تأثیری بر روند اصلاح الگوی مصرف خواهند داشت؟

دولت در نظر داشت که طرح تحول اقتصادی را که هدفمندی یارانه‌ها از زیرمجموعه‌های آن بود به قانون تبدیل نماید و بر اساس آن حرکت رو به رشدی را آغاز کند. اما به دلیل نزدیکی به پایان برنامه چهارم و همچنین تصمیم‌گیری در مورد بودجه سال جاری و مهمتر از همه، فرصت محدود دولت برای اجرای آن به واسطه تقارن با زمان انتخابات، اجرا و تصویب آن به تعویق افتاد. دولت فعلی، چون احساس می‌کرد اجرای لایحه مذکور باید به صورتی ضرب‌الاجل صورت پذیرد، آن را در دل بودجه ۸۸ قرار داد. از محاسن این کار، به وجود آمدن این باور در مردم بود که به هر حال باید این کار صورت پذیرد. ولی به دلیل عدم آمادگی مجلس و عدم تعریف سیاست جبرانی از سوی دولت که بر مبنای اجرای آن، مردم کمترین آسیب و ضرر را ببینند، کمیسیون‌های مختلف مجلس با تأکید بر لطمات ناشی از سیاست مذکور از تصویب آن سر باز زدند.

اقتصاد ایران: وظایف سازمان‌های مختلف دولتی - به

طور خاص، وزارت بازرگانی و سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان - در اصلاح الگوی مصرف چیست؟ تمام سازمان‌ها در طرح تحول اقتصادی و به تبع آن اصلاح مصرف، برنامه‌های مشخصی دارند. لذا وزارت بازرگانی نیز به عنوان یک وزارتخانه اثرگذار، برنامه‌هایی را برای اجرا دارد. کشور ما سالانه در حدود ۴ هزار میلیارد تومان یارانه برای نان پرداخت می‌کند که نه مصرف‌کننده از آن راضی است و نه تولیدکننده (چه از لحاظ کیفیت و چه از منظر قیمت). در این راستا، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در کنار وزارت بازرگانی با بررسی مسأله یارانه‌ها و قیمت‌گذاری‌ها، فعالیت‌هایی را آغاز کرده و خواهد کرد. اما به طور حتم با اجرای اصلاح الگوی مصرف در بخش نان، سرانه مصرف نان که در حدود ۱۶۰ تا ۱۷۰ کیلو می‌باشد، در حدود ۲۷ درصد کاهش خواهد یافت.

مثال دیگر را می‌توان در مصرف برنج بیان نمود. در سال گذشته به طور متوسط در حدود ۶ کیلو از سرانه مصرفی برنج را یارانه می‌دادیم که با برداشت این میزان و انتقال آن به شیر، میزان توزیع شیر یارانه‌ای از ۷۰۰ هزار تن به ۲ میلیون تن افزایش یافت. در سال‌های اخیر با تلاش‌های بسیار زیادی که صورت گرفته، مصرف سرانه شیر در کشور ما به رقم ۹۰ کیلوگرم رسیده، در حالی که این رقم در کشورهای در حال توسعه، در حدود ۲۵۰ کیلوگرم است. گفتنی است اگر مصرفی مناسب برای شیر داشته باشیم، ده‌ها برابر هزینه‌های تولید شیر که صرف واردات و تولید دارو می‌شود از هزینه‌هایمان کاسته خواهد شد.

اقتصاد ایران: روند کنونی مصرف جهانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با رکود به وجود آمده در دنیا، بسیاری از کشورها ترویج مصرف را به عنوان راه‌گریز و چاره بحران دانسته‌اند. یعنی با توجه به سلیقه طرف تقاضا، تولید می‌کنند و سعی بر آن دارند تا تولیداتشان به صورت یک

صف اول «اصلاح الگوی مصرف»

نریز و نیاش

با تعامل دولت و مردم و با حذف بریز و بپاش‌های بی‌مورد، می‌توان به سطحی از استانداردهای معقول مصرف دست پیدا کرد.



بار مصرف باشد؛ مخصوصاً در کالاهای سرمایه‌ای. بالطبع با وقوع بحران حاضر و از دست دادن بازارهای جهانی برای تولیدکنندگان - به دلیل کاهش سطح تقاضا - سطح تولید نیز کاهش یافته، اما این به آن معنا نیست که مصرف‌کننده، سطح تقاضای خود را به صورت دائمی کاهش خواهد داد. در حال حاضر با توجه به حقوق مصرف‌کننده، بحران جهانی، کاهش نقدینگی و محدودیت بودجه مصرف‌کننده، تولیدکننده به این مسأله فکر می‌کند که کالایی را تولید کند که حتماً از سوی مصرف‌کننده خریداری شود. لذا تولیدکننده‌ها در کشورهای درگیر با بحران با اتخاذ رویکردهای جدید، سعی در جانشینی کالاها و توجیه پذیر نمودن مصرف نموده و با اتخاذ رویکردی جدید (مثلاً تغییر بسته‌بندی و یا امثال آن)، سعی می‌کنند تا سطح فروش خود را افزایش دهند.

اقتصادیاری: پیامد فرمایش جنابعالی در قبال بحران جهانی و سطح کنونی مصرف، نقش بانک‌ها، مؤسسات مالی و دولت را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

بانک‌ها و مؤسسات مالی نقش پُراهمیتی در این مسأله دارند. در حال حاضر، مهمترین مسأله تجار کشور، مسأله تأمین نقدینگی آنها می‌باشد. در این راستا، دولت باید سیاست‌های خود را اعم از سیاست‌های پولی، مالی و ارزی مشخص نماید تا متناسب با این سیاست‌ها، بانک‌ها بتوانند در حوزه فعالیت خود - نه فقط صرف فعالیت‌های اقتصادی - به بخش‌های اقتصادی جامعه نظیر صنعت، کشاورزی، خدمات و بازرگانی کمک کنند تا هزینه‌های مالی کاهش پیدا کرده و به گردش اقتصاد و اصلاح چرخه مصرف کمک شود.

اقتصادیاری: مهمترین موانع و مشکلات و راهکارهای پیشنهادی شما در راه اصلاح بهینه ساختار مصرف در کشور چه می‌باشند؟

برای اصلاح ساختار مصرف، لازم است تا باورهای مردم در رعایت الگوی مصرف تغییر یابد و همه مردم از جمله دولت، صنعتگران، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان با رعایت الگوهای صحیح مصرف در کنار هم و در حل مسایل مختلف اقتصادی فعالیت داشته باشند. در این راستا، دولت باید نظام توزیع را به طور کامل اصلاح کند و سیاست‌های خود را شفاف به مردم بگوید. چراکه با بخشنامه و دستورالعمل نمی‌تواند مردم را اجبار به مصرف و یا عدم آن نماید. مردم نیز باید در کنار دولت و پس از اصلاح الگوی مصرفی دولت، به اصلاح مصرف شخصی و رسیدن به سطحی متعادل از مصرف دست یابند. رسانه‌ها نیز لازم است دست به دست هم دهند تا ان‌شاءالله با عزم ملی بتوان به اهداف مهم اصلاح الگوی مصرف دست یافت.

اقتصادیاری: متشکریم.

این مسأله را در نظر داشتند که سال جاری را سال «اصلاح الگوی مصرف» نام‌نهادند، نه «کاهش میزان مصرف».

سرانه مصرف در رأس بررسی

دولت به عنوان عظیم‌ترین بنگاه اقتصادی کشور، در سال ۸۷ درآمدی معادل ۴۹۱ هزار و ۳۰۳ میلیارد ریال داشته است. بر اساس آخرین گزارش بانک مرکزی، هزینه مصرفی بخش دولتی در سال ۸۶ رقمی معادل ۲۹۶ هزار و ۷۹۴ میلیارد ریال بوده که این رقم نسبت به سال گذشته با ۲ درصد رشد همراه بوده است. این در حالی است که با توجه به خصوصی‌سازی‌های صورت گرفته، رشد مصرف دولتی، مناسب به نظر نمی‌رسد. با تأمل در ارقام فوق به راحتی در می‌یابیم که دولت - به عنوان اولین نهاد اجرایی و در عین حال مصرفی کشور - می‌بایست در صف اول اصلاح الگوی مصرف قرار گیرد. متأسفانه همواره دولت‌های بر سرکار کشورمان به افزایش و رشد بودجه عمومی خود اندیشیده‌اند و تنها آن را صرف پرداخت‌های جاری خود نموده‌اند. نگاهی به آمار و ارقام تشکیل سرمایه در مقابل رشد بودجه عمومی دولت، مؤید این مطلب است. بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»،

در این که در کشور ما مصرفی نامتعادل و بیش از حد استاندارد وجود دارد شکی نیست. اما راهکار حل این معضل چیست؟ به طور حتم، اصلاح الگوی مصرف از بهترین راهکارهای موجود در مسیر بهبود این معضل می‌باشد، اما چگونه؟ یقیناً هدف از نام گذاری سال جاری به اصلاح الگوی مصرف، تغییر ساختار مصرفی کشور و رساندن آن به حد استاندارد است. با وقوع بحران مالی جهانی که پس لریزه‌های آن کماکان تقاضای کل را در سطح جهان کاهش می‌دهد، می‌توان سالی سختی را برای مردم کشورمان پیش بینی کرد. اکثر کشورهای دنیا با تخصیص اعتبارات و تسهیلات پولی و مالی و اعطای وام‌های گوناگون در پی کاهش نرخ‌های بهره، به دنبال تحریک طرف تقاضا می‌باشند تا بتوانند از شرایط رکودی فاصله بگیرند. کشور ما نیز به عنوان عضوی از جامعه جهانی - هرچند با تعاملات اندک - از این بحران مصون نبوده و با وقفه‌ای چند ماهه، در سال جاری شاهد حضور رگه‌های اصلی بحران جهانی در کشور خواهیم بود. حال با این توضیح کوتاه مشخص می‌گردد که کاهش مصرف، چه عواقب زیان‌باری را برای توسعه و رشد اقتصادی کشورهای دنیا خواهد داشت. بر این اساس، مقام معظم رهبری نیز با بینش عمیق خود،